

فصل دوم

سازمان افسران در دوران نهضت ملی شدن نفت

www.iran-archive.com

سازمان افسران آزادیخواه ایران

هیئت اجراییه سازمان نظامیان حزب توده در شرایطی دستور انحلال سازمان را دریافت کرد که پس از چند سال یاری به رهبری حزب توده به تازگی نیز عده زیادی از اعضای آن متواری، پناهنده و تیرباران شده بودند. اعضای هیئت اجراییه (سرهنگ عزت‌الله سیامک، سرهنگ علی‌اکبر چلیپا، سرهنگ طاهر قنبر، سرگرد عباس سغایی و سروان خسرو روزبه) با انحلال و به‌واقع اخراج افسران از حزب توده مخالفت کردند. خسرو روزبه می‌نویسد: دستور انحلال را «یک عمل عجولانه و ناشی از پانیک [هراس] حادثه ۱۳۲۵ آذربایجان و خلاصه یک عمل غیرانقلابی تشخیص دادیم و معتقد بودیم که هیئت اجراییه موقت حزب توده دچار پانیک شده و اشتباه کرده است، لذا تصمیم گرفتیم مانع متلاشی گردیدن سازمان بشویم»^۱. آنکت‌های حزبی افسران را از نورالدین کیانوری بازپس گرفته و با تحویل آنکت‌ها به اعضای دستور انحلال سازمان را به اطلاعشان رسانیدند، که موجب اعتراض عده‌ای از افسران شد. آنان انحلال سازمان را نادرست دانسته و خواهان تداوم فعالیت سازمان گردیدند. پس از مدتی از سوی هیئت اجراییه با این عده از افسران تماس گرفته و به آنان اعلام می‌شود «... جلسات حوزه‌ها یک‌سال و حوزه‌های مسئولین تا ۶ ماه تعطیل است. مسئولین حوزه‌ها می‌توانند به‌صورت انفرادی تماس‌شان را با مسئول خود حفظ کنند. هرکسی علاقه‌ای نداشت، کنارش بگذارد و بگوید جریانی بود و تمام شد»^۲.

۱. خسرو روزبه، اوراق بازپرسی، صص ۱۸۵-۱۸۴، به نقل از کمونیزم در ایران، ص ۶۲۶.

۲. از مصاحبه نگارنده با خسرو پوریا، ۱۳ مهرماه ۱۳۷۶.

هیئت اجراییه سازمان و به‌ویژه خسرو روزبه (مسئول تشکیلات سازمان نظامیان) با زیرنظر گرفتن اعضاء و گزینش افسرانی که همچنان خواستار فعالیت و مبارزه بودند، به تدریج سازمان مستقل افسران را پدید آوردند. و در حدود سه ماه پس از ابلاغ دستور انحلال، بار دیگر حوزه‌های مسئولین تشکیل شد و به بررسی فعالیت و عملکرد هیئت اجراییه سازمان در دوره تعطیلی فعالیت سازمان پرداخت. هیئت اجراییه طی گزارش به مسئولین سازمان، اعلام کرد که تشکیلات جدید با نام «سازمان افسران آزادیخواه ایران» فعالیت خود را مستقلاً آغاز می‌نماید و خود را نیرویی ملی و انقلابی به شمار می‌آورد. براین اساس می‌تواند با حفظ استقلال خویش با کلیه احزاب و جمعیت‌هایی که بر علیه هیئت حاکمه کشور (که دست‌نشانده انگلیسی‌هاست) مبارزه می‌کنند، همکاری نماید.^۱ پس از تصویب و تأیید گزارش هیئت اجراییه از سوی مسئولین سازمان، حوزه‌های عادی نیز به تدریج تشکیل شد.

از فعالیت‌ها و عملکرد سازمان افسران آزادیخواه اطلاع چندانی در دست نیست، به‌گفته خسرو پوریا فعالیت سازمان تا زمان ائتلاف مجدد با حزب توده تنها شامل آموزش تئوریک و بررسی مسائل سیاسی کشور در حوزه‌ها و عضوگیری می‌شده است.^۲ از افسرانی که در این دوره به عضویت سازمان درآمدند می‌توان به سروان شهربانی نظام‌الدین مدنی اشاره نمود که در سال ۱۳۲۶ به‌وسیله ستوان یکم‌های شهربانی رفعت محمدزاده کوچری و حسین قبادی به عضویت سازمان افسران درآمد.

گروه هشت نفره خسرو روزبه

خسرو روزبه با توجه به شناختی که از فعالیت سیاسی داشت، متوجه شد

۱. همان.

۲. همان.

که سازمان افسران آزادیخواه فاقد ساختار و توانایی لازم برای فعالیت سیاسی است و عملکرد این سازمان زمانی معنا می‌یابد که در پیوند و همکاری با یک حزب سیاسی قرار بگیرد. در شرایط آن روز ایران، تنها حزب سیاسی که می‌توانست افسران مارکسیست را به خود جذب نماید، حزب توده بود، که آنهم افسران را از صفوف خود اخراج نموده بود.

بر همین اساس، یعنی با توجه به عدم امکان همکاری با حزب توده بود که در نیمه دوم سال ۱۳۲۶، خسرو روزبه کوشید حزب سیاسی جدیدی پدید آورد. وی ۷ نفر از دوستان قدیمی خود را که عضو حزب توده نیز بودند (حسام لنکرانی، ناصر صارمی، سیف‌الله همایون فرخ، منوچهر رزمخواه، ابراهیم پرمان، صفیه حانمی و سروان اخراجی ابوالحسن عباسی) را برگزید تا هسته اولیه یک حزب سیاسی را ایجاد کند. روزبه هدفش را از تشکیل این گروه چنین بیان می‌کند:

«ما گروهی به وجود آورده بودیم که بتوانیم سریعتر به هدفهای اجتماعی نائل شویم و فکر می‌کردیم که ممکن است با ترورهای سیاسی به هدفهای سیاسی رسید... عقیده‌ای که ما را به دور هم جمع کرده بود این بود که خیال می‌کردیم حزب توده ایران محافظه‌کار است یا لااقل رهبران آن از افراد ترسو و محافظه‌کار تشکیل شده‌اند و نمی‌خواهند یا قادر نیستند تصمیمات تند و شدیدی بگیرند. ما هشت نفر خودمان را به عنوان اعضاء مؤسس می‌دانستیم و فکر می‌کردیم وقتی کارمان توسعه پیدا کرد، می‌توانیم عده دیگری را به دور خود جمع کنیم.»^۱

تاکتیکی که گروه هشت نفره برای فعالیت برگزید، ترور بود؛ که با توجه به روحیات آنان غیرمنتظره نبود. به نوشته آرداشس آوانسیان، این عده از همان دوره فعالیت در حزب توده نیز چنین روحیه‌ای داشته‌اند. «بارها روزبه به من پیشنهاد کرد که به او اجازه بدهیم برای حزب [توده]

۱. خسرو روزبه، اوراق بازپرسی، ص ۲۹، به نقل از کمونیزم در ایران، ص ۴۳۷.

پولی از جایی بلند کند. بارها تقاضا کرد که ما اجازه بدهیم نخست‌وزیر قوام‌السلطنه و یا دیگران را ترور کند. این گروه آماده این کارها بودند.^۱

گروه هشت نفره، در نخستین اقدام خود در شب هنگام پنجشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۲۶، محمدمسعود را ترور کرد. خسرو روزبه دلایل گروه برای ترور مسعود را چنین توضیح می‌دهد: «... فکر می‌کردیم برای گم کردن راه برای اینکه دستگاه پلیس نتواند سمت لازم را برای پیدا کردن گروه ما بیابد ما باید اول از کسی شروع کنیم که دارای دستجات مخالف زیادی باشد. محمد مسعود از این جهت ایده‌آل بود زیرا با انتشار روزنامه مرد امروز تقریباً همه کس را با خود دشمن کرده بود از یک طرف با دسته مسعودیها و روزنامه اطلاعات سخت درآویخته بود، از طرف دیگر با قوام‌السلطنه و گروه طرفداران او مخالف بود و جنگ [و] جدال‌های زیادی با هم داشتند. در عین حال با امثال حاج علی‌نقی کاشانی و سایر ثروتمندان طرف می‌شد تا از آنها پول بگیرد و دیگر آن را مورد حمله قرار ندهد، از یکطرف نیز روزنامه‌اش خواننده زیاد داشت و مقالاتی که علیه نهضت جهانی طبقه کارگر منتشر می‌ساخت، می‌توانست تأثیر منفی داشته باشد. اینها دلائلی بود که ما اقامه کردیم.»^۲

پس از ترور مسعود، گروه هشت نفره به بررسی جوانب مختلف و تأثیر این عمل پرداخت و نتیجه گرفت که حرکت آنان «مثبت و موفق» بوده است.^۳ برخلاف نظر آنان، رهبری حزب توده که از تروریست‌ها و اهداف

۱. خاطرات آوانسیان، ص ۴۲۷ پیرامون گروه هشت نفره روزبه، نظریات و شایعات بسیاری وجود دارد و عده‌ای این گروه را وابسته به رهبری حزب توده و گروه ترور آن می‌دانند. حتی برخی مانند انورخامه‌ای در تشکیل این گروه، علاوه بر رهبری حزب توده، اتحاد شوروی را نیز دخیل می‌دانند. ر.ک به: از انشعاب تا کودتا (تهران، هفته، ۱۳۶۳)، صص ۱۰۸-۹۴.
۲. خسرو روزبه، اوراق بازپرسی، ص ۲۹، به نقل از کمیوزیم در ایران، ص ۴۲۷.
۳. ر.ک به خسرو روزبه، اوراق بازجوئی، ص ۳۱-۳۰، به نقل از کمیوزیم در ایران، ص ۴۲۸؛ ابوالحسن عباسی روایت دیگری از تأثیر ترور مسعود بر گروه ارائه می‌کند. ر.ک به: ابوالحسن عباسی، اوراق بازپرسی پرونده خسرو روزبه، ص ۱۹، به نقل از کمیوزیم در ایران، ص ۴۳۳.

آنان اطلاعاتی نداشت، از ترور مسعود نتیجه گرفت: «... ترور یک مدیر روزنامه هنگامی که دشمنان آزادی ایران برای ایجاد یک دیکتاتوری راه را هموار می‌کند نمی‌تواند تنها جنبه فردی داشته باشد بلکه عملی است که دامنه وسیع اجتماعی دارد... برای جلوگیری از تجدید یک دیکتاتوری وحشتناک که همه بقایای آزادی در ایران [را] نابود خواهد ساخت، باید این نقشه فجیع در جنین سقط گردد...»^۱

ترور محمد مسعود اولین و آخرین حرکت «سیاسی» گروه هشت نفره بود. آنان با دستگیری حسام لنگرانی و احتمالاً تحت تأثیر موضع رهبری حزب توده به رغم اصرار خسرو روزبه ترور را کنار نهادند؛ و فعالیت خویش را محدود به تأمین امکانات چاپ و نشر مطالب مورد نیاز سازمان افسران آزادیخواه ایران نمود و به این منظور یک دستگاه چاپ نیز تهیه کرده و در اختیار سازمان افسران قرار دادند.

اتحاد با حزب توده ایران

هیئت اجراییه سازمان افسران آزادیخواه ایران، پس از یک سال فعالیت مستقل، با بحران چشم‌انداز فعالیت روبه‌رو شد. گروه هشت نفره خسرو روزبه نیز نه تنها نتوانست به حل این بحران کمک کند، که در همان گام نخست از فعالیت باز ایستاد. هیئت اجراییه سازمان افسران راهی برای خروج از این بحران نمی‌یافت و «چون از گفتگوی مجدد با حزب توده اکراه داشت، تصمیم گرفت راساً... با اعضاء موسس وعده زیادی از افراد سازمان نظامی [که] در خارج از ایران [در شوروی] هستند تماس گرفته و مشکل خود را مطرح و کسب تکلیف نماید...»^۲

۱. «یک ترور فجیع که برای منظور سیاسی اتفاق افتاده است»، مردم، شماره ۲۷۵، دوشنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۲۷.

۲. خسرو روزبه، اوراق بازپرسی، ص ۴۵، به نقل از کمیونزم در ایران، ص ۲۶.

برای برقراری این تماس، گروه هشت نفره روزبه به تکاپو افتاده و حسام لنگرانی و سیف‌الله همایون فرخ کوشیدند از طریق یکی از اعضای تشکیلات حزب توده در آذربایجان با سرهنگ آذر تماس بگیرند که بی‌نتیجه ماند. اما رهبری حزب توده از وجود سازمان افسران آگاه شد.^۱

در اواخر سال ۱۳۲۶، دکتر رضا رادمنش، دبیر کل حزب توده از طریق مسئولین شوروی یا تشکیلات حزب توده در آذربایجان از تلاش هیئت اجرائیه سازمان برای تماس با سرهنگ آذر آگاه شده و پس از تصویب هیئت اجرائیه حزب توده، نورالدین کیانوری را مأمور تماس با رهبری سازمان افسران نمودند. کیانوری که به گفته خودش از زمان انحلال سازمان نظامیان به بعد برای دادن نشریات حزبی یا خسرو روزبه تماس داشته در ملاقات با روزبه ضمن ابلاغ تأسف رهبری حزب توده از انحلال سازمان، خواستار الحاق مجدد سازمان افسران به حزب توده می‌شود. روزبه به‌رغم آنکه معتقد بود «چون اعضاء کمیته مرکزی حزب توده ایران سازمان نظامی را منحل کرده است... مذاکره با اعضاء کمیته مرکزی برای الحاق مجدد سازمان نظامی به حزب کار درستی نیست...»^۲ اما پذیرفت که موضوع را در هیئت اجرائیه سازمان مطرح می‌کند که به اتفاق آراء رد می‌شود. هیئت اجرائیه سازمان اعلام می‌کند «تا این هیئت اجرائیه که ما را خواست منحل کند بر سر کار است با آن ائتلاف نخواهیم کرد.»^۳

بدین ترتیب اولین تلاش رهبری حزب توده برای الحاق مجدد سازمان به حزب توده شکست خورد و تا مدتی مسکوت ماند. در ۲۱ فروردین ماه ۱۳۲۷، با دستگیری خسرو روزبه هیئت اجرائیه سازمان

۱. همان.

۲. خسرو روزبه، اوراق بازجویی، ص ۲۶۴، به نقل از کمونیزم در ایران، ص ۶۲۷.

۳. کمونیزم در ایران، ص ۶۳۲.

دچار ضعف شد^۱ و برای تقویت کادر رهبری سازمان، سروان اخراجی ابوالحسن عباسی، سرهنگ مبشری [احتمالاً در آن زمان سرگرد بوده]- و ستوان یکم علی مولوی را به ترکیب هیئت اجرائیه سازمان افزودند. پس از برگزاری کنگره دوم حزب توده در اردیبهشت ماه ۱۳۲۷ و برطرف شدن بهانه و دلیل هیئت اجرائیه سازمان افسران، مذاکره بین هیئت اجرائیه سازمان و نورالدین کیانوری در تابستان سال ۱۳۲۷ شروع می شود «تقریباً عموم اعضاء هیئت اجرائیه سازمان نظامی و مخصوصاً ستوان علی مولوی به سختی به حزب انتقاد کرده و عمل انحلال سازمان را غلط و نادرست» دانستند^۲ و مسأله الحاق را رد کرده و پیشنهاد ائتلاف دادند و مسأله ائتلاف با حزب توده را در تشکیلات سازمان طرح و از اعضاء نظرخواهی کردند. خسرو پوریا در این مورد می گوید «اعضاء تشکیلات مطرح کردند که ما حزب نیستیم و بنیادی از نقطه نظر کلاس مبارزه سیاسی برای خودمان نداریم و می توانیم با هر حزبی ائتلاف

۱. خسرو روزبه در ۱۷ فروردین ۱۳۲۶ دستگیر شده بود که به باری حسام لنگرانی، ابوالحسن عباسی و صفیه حاتمی موفق شد در ۱۷ اردیبهشت ماه همان سال از زندان دزبان بگریزد و غیباً محاکمه و از ارتش اخراج و به ۱۵ ماه زندان محکوم شد. در ۲۱ فروردین ماه ۱۳۲۷ مجدداً به همراه سرهنگ اخراجی شریف رستگار و مهندس رستگار در ناظم آباد شمیران دستگیر و زندانی می شود («نظری به وقایع مهم کشور در هفته گذشته»، خواندنیها، سال هشتم، شماره ۶۴، سه شنبه ۲۴ فروردین ماه ۱۳۲۷، ص ۴). و متعاقب آن منوچهر رزمخواه، ناصر بیان و عبدالحمید فرهی که اسلحه روزبه و مقداری اسناد و مدارک به رزمخواه داده بودند نیز بازداشت می شوند. («از پرونده محمد مسعود چه خبر؟» خواندنیها، سال هشتم، شماره ۶۶، سه شنبه ۳۱ فروردین ماه ۱۳۲۷، ص ۱۰). و زمزمه هایی نسبت به مشارکت روزبه در ترور مسعود آغاز می شود و حتی روزنامه «آتش» فرضیه ای را طرح می کند که تا سالها دیگران آن را تکرار می نمایند: روزنامه آتش نوشت «ممکن است روزبه در ترور مسعود دست داشته باشد، زیرا مسعود اسنادی دائر بر همکاری او با بعضی مقامات به دست آورده و خیال انتشار آن را داشت» (خواندنیها، سال هشتم، شماره ۶۴، سه شنبه ۲۴ فروردین ماه ۱۳۲۷، ص ۴).

۲. خسرو روزبه، اوراق بازپرسی، ص ۲۶۴، به نقل از کمونیزم در ایران، ص ۶۲۷.

نمائیم و انحصار هم ندارد و استقلال هم داریم، اگر رهبری حزب توده اشتباهاتش را بپذیرد یا ائتلاف و پذیرش رهبری سیاسی آن موافقیم.^۱ هیئت اجراییه سازمان افسران با توجه به تجربه انحلال سازمان نظامیان، ائتلاف با حزب توده را در حد پذیرش رهبری سیاسی حزب توده، یعنی چیزی که به شدت به آن نیاز داشت، محدود کرد؛ که مورد پذیرش رهبری حزب توده قرار گرفت و دکتر غلامحسین فروتن به عنوان رابط کمیته مرکزی حزب توده با هیئت اجراییه سازمان افسران آزادیخواه برگزیده شد. در این زمان سازمان افسران دارای ۸۰ عضو در تهران و ۲۰ عضو در شهرستانها بود.^۲

ائتلاف با حزب توده تا سال ۱۳۲۹ یا ۱۳۳۰ به رغم مداخلات متناوب حزب توده در تشکیلات سازمان پایدار ماند و از آن به بعد مسأله الحاق و وابستگی تشکیلاتی مطرح و پیوند مجدداً به صورت قبل درآمد.

سازمان افسران حزب توده ایران

در پی ائتلاف سازمان افسران آزادیخواه ایران و حزب توده، معضل تداوم و چشم‌انداز فعالیت سیاسی سازمان افسران برطرف شد و هیئت اجراییه سازمان با درس‌گیری از تجارب گذشته به تجدیدنظر در سازماندهی تشکیلاتی و شیوه‌های فعالیت خود پرداخت.

در سازماندهی جدید، تشکیلات سازمان افسران ساختار کلی زیر را پیدا کرد: هیئت اجراییه، حوزه مسئولین (درجه ۱ و ۲)، حوزه رسمی، حوزه آزمایشی و هوادار. هیئت اجراییه تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، بالاترین مرجع سازمان بود و هفت عضو داشت که از سال ۱۳۲۹، یا ۱۳۳۰ به بعد، توسط کمیته مرکزی حزب توده انتخاب می‌شدند. هیئت

۱. از مصاحبه نگارنده با خسرو پوریا.

۲. کمونیزم در ایران، ص ۶۳۱.

اجرائیه دارای پنج شعبه بود: ۱- شعبه تشکیلات، ۲- شعبه تبلیغات، ۳- شعبه تعلیمات، ۴- شعبه مالی، ۵- شعبه اطلاعات.

شعبه تشکیلات

تشکیلات سازمان برحسب اشتغال اعضاء در صنوف و رشته‌های مختلف نیروهای مسلح نظامی و انتظامی به هشت شاخه تقسیم شده بود؛ و برای رعایت هرچه بیشتر اصول پنهان‌کاری در مکاتبات و اسناد درونی، به جای نام هر شاخه از یک شماره دورقمی استفاده می‌کردند:

شاخه دانشکده افسری (شماره ۹ به مسئولیت سرگرد پیاده جعفر وکیلی)، شاخه پزشکی و فنی (شماره ۱۳، به مسئولیت ستوان یکم هوایی منوچهر مختاری گلپایگانی)، شاخه افسران صف (شماره ۱۷، به مسئولیت سروان اخراجی ابوالحسن عباسی)، شاخه نیروی هوایی (شماره ۲۱، به مسئولیت ستوان یکم هوایی منوچهر مختاری گلپایگانی)، شاخه افسران اداری (شماره ۲۹، به مسئولیت سروان توپخانه اسماعیل محقق‌زاده دوانی)، شاخه افسران شهربانی (شماره ۳۳، به مسئولیت سرهنگ دوم توپخانه محمدعلی مبشری) و شاخه افسران ژاندارمری (شماره ۳۷، به مسئولیت سرهنگ ژاندارم عزت‌الله سیامک).

وظایف هیئت اجرائیه عبارت بود از: مسئولیت و رسیدگی به تشکیلات سازمان، تهیه گزارش از فعالیت‌ها و عملکرد هر شاخه توسط مسئول آن و ارائه آن در جلسه هیئت اجرائیه، هماهنگ ساختن فعالیت شاخه‌ها و ارائه رهنمودهای لازم به شاخه‌ها و دریافت گزارش‌های اعضا، و ارائه اخبار و اطلاعات و گزارش فعالیت سازمان به کمیته مرکزی حزب توده. (این امر پس از الحاق و وابستگی تشکیلاتی به حزب توده انجام می‌گرفت) پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در جهت تمرکز هر چه بیشتر رهبری سازمان افسران، هیئت دبیران سه نفره (سرهنگ سیامک، سرهنگ مبشری و سروان اخراجی خسرو روزبه) تشکیل شد و مسئولیت

سازمان را بر عهده گرفت. هر یک از اعضای هیئت دبیران و هیئت اجرائیه علاوه بر شماره سازمانی که کلیه اعضاء سازمان داشتند، دارای نام مستعار نیز بودند:

سرهنگ عزت‌الله سیامک، با شماره سازمانی ۱۶۰۷، اسم مستعار: گشتاسب خان.

سرهنگ دوم محمدعلی مبشری، با شماره سازمانی ۱۶۴۰، اسامی مستعار: قدسی، محمودی، اخگر، محسن، منصوری.

سرگرد جعفر وکیلی، با شماره سازمانی ۱۸۲۶، اسم مستعار: پاکروان. سروان اخراجی ابوالحسن عباسی، با شماره سازمانی ۱۶۸۲، اسم مستعار: جواد.

سروان اسماعیل محقق‌زاده، با شماره سازمانی ۱۸۷۱، اسم مستعار: پیمان.

سروان اخراجی خسرو روزبه، گویا شماره سازمانی نداشته، اسم مستعار: سعیدی.

ستوان یکم هوایی منوچهر مختاری گلپایگانی، با شماره سازمانی ۱۵۶۲، اسم مستعار: عدیلی^۱.

به لحاظ ساختار تشکیلاتی، پس از هیئت اجرائیه، حوزه مسئولین قرار داشت. مسئولیت حوزه مسئولین بر عهده مسئول شاخه بود، و از حداقل سه نفر مسئول حوزه تشکیل می‌شد. وظایف حوزه مسئولین: اجرای دستورات هیئت اجرائیه و ابلاغ رهنمودها و دیدگاهها به حوزه‌های تحت مسئولیت خویش و نظارت بر اجرای آن، رسیدگی به مسائل و مشکلات حوزه‌ها و کوشش در جهت رفع آن، بالا بردن سطح کیفی آموزش تئوریک - سیاسی اعضاء بر اساس رهنمودهای شعبه تعلیمات سازمان، رسیدگی به گزارش‌های مسئولان هر حوزه، انتقال اطلاعات و اخبار از بالا به پائین

۱. کتاب سیاه درباره سازمان افسران توده، ص ۹۵ و برخی صفحات دیگر.

و بالعکس؛ در صورت تعدد حوزه‌های مسئولین در یک شاخه، از هر یک از حوزه‌های مسئولین که عنوان «حوزه مسئولین درجه ۲» داشت یک نفر در «حوزه مسئولین درجه ۱» شرکت می‌کرد که مسئولیت آن برعهدهٔ مسئول شاخه (یک نفر از اعضای هیئت اجراییه) بود.

در قاعده هرم تشکیلاتی، حوزه قرار داشت. اعضای هر حوزه ۳ تا ۵ نفر بودند و مسئول حوزه موظف به اداره حوزه، آشنا کردن اعضا با مواضع حزب توده، انتقال دستورات تشکیلاتی به اعضا، نظارت بر اجرای برنامه‌های آموزشی حوزه، انتقال اخبار و اطلاعات و پیشنهادهای اعضای حوزه به مسئولان شاخه، جمع‌آوری حق عضویت و کمک مالی اعضا بود. هر حوزه یک بار در هفته تشکیل جلسه می‌داد و در هر جلسه یکی از افراد حوزه موظف به تنظیم اخبار و حوادث روز و بحث و تفسیر آن در حوزه می‌شد. در هر جلسه، اعضا شمه‌ایی از مطالعات انجام شده خود را مطرح می‌کردند و آموزش تئوریک با هدایت مسئول حوزه پیگیری می‌شد. برخلاف دورهٔ پیش از انحلال سازمان توسط رهبری حزب توده، که مسئولیت آموزش سیاسی - تئوریک حوزه‌های سازمان برعهده رهبران و کادرهای حزب توده بود، در این دوره اعضای سازمان، خود این وظیفه را برعهده داشتند و حتی پس از الحاق و وابستگی تشکیلاتی به حزب توده نیز، تغییری در این امر رخ نداد. در تشکیلات سازمان افسران، علاوه بر اینکه هر عضو دارای شماره‌ای معین بود، هر حوزه نیز دارای شماره‌ای بود که در مکاتبات درونی از آن استفاده می‌شد.^۱

در کلیه حوزه‌های سازمان، روزنامه‌های مردم، ظفر و رزم، نشریه تعلیماتی و مسائل سازمانی و اوراق تبلیغاتی از طریق مسئول حوزه در

۱. ر.ک به: کتاب سیاه درباره سازمان افسران توده، صص ۸۴-۶۸؛ غلامحسین بقیمی، انگیزه، ص ۲۵۵؛ محمدعلی عمویی، دردزمانه، تهران، آئران، ۱۳۷۷، صص ۴۵-۴۳.

اختیار اعضاء قرار می‌گرفت، روزنامه مردم به تعداد افسران هر حوزه بود و از دیگر نشریات و اوراق تبلیغاتی حزب توده برای هر حوزه یک یا دو عدد ارسال می‌گردید.^۱

با تجدیدنظر در سازماندهی تشکیلاتی، شیوه عضوگیری نیز تحول یافته و دقیق‌تر از گذشته شد. برای عضویت در سازمان، افسران می‌بایست چند مرحله را با موفقیت پشت سر می‌گذاشتند: در ابتدا، از بین گزارش‌های ارسالی اعضاء درباره پرسنل نظامی و انتظامی، شخص معینی را هیئت اجرائیه سازمان انتخاب می‌کرد، یا اینکه یک نفر از اعضاء شخص مناسبی را به هیئت اجرائیه سازمان معرفی می‌نمود. در مرحله نخست یا دوره شناسایی، افکار و عقاید سیاسی - اجتماعی افسر موردنظر، به طور غیرمستقیم و پنهانی، همه‌جانبه شناسایی می‌شد و «کاراکتریستیک» وی (یا پرسشنامه سازمان برای شناسایی افراد) به وسیله عضوی که مسئولیت تماس و جذب وی را برعهده داشت، تدوین می‌شد.^۲ تحقیق و جست‌وجو می‌بایست آن‌چنان ماهرانه انجام می‌گرفت که افسر مورد نظر کمترین شک و شبهه‌ای پیدا نکرده و از علل آن اطلاعی نیابد. برای دقیق‌تر شدن هر چه بیشتر شناسایی، یکی دیگر از اعضاء نیز بدون ارتباط با عضو دیگر مؤظف به تهیه کاراکتریستیک وی می‌شد. گاه انجام این کارها بیش از یک سال طول می‌کشید و در مواردی نیز به نتیجه مطلوب نمی‌رسید، یا اطلاعات به دست آمده کافی نبود یا بیانگر عدم صلاحیت فرد موردنظر برای عضویت بود. گزارش‌ها و کاراکتریستیک تهیه شده، کاملاً محرمانه و بدون آنکه هیچ یک از اعضاء و مسئولان از مفاد آن آگاه شوند از طریق سلسله مراتب تشکیلاتی به هیئت اجرائیه

۱. سرهنگ دوم کاظم جمشیدی مازندرانی، اوراق بازجویی، ص ۲۱، به نقل از کتاب سیاه

درباره سازمان افسران توده، ص ۵۵.

۲. برای آگاهی از یک «نمونه کاراکتریستیک» ر.ک. ضمائم سند شماره ۴.

سازمان ارائه می‌شد و هیئت اجراییه پس از بررسی همه جانبه، در مورد کافی یا ناکافی بودن اطلاعات و همچنین ادامه دادن تحقیق یا رها کردن شخص مورد نظر، تصمیم می‌گرفت. سرهنگ محمدعلی مبشری، مسئول شعبه تشکیلات سازمان افسران در مورد نحوه بررسی و نتیجه‌گیری از کاراکتریستیک و گزارش‌ها می‌نویسد:

«... نسبت به واقعه شهریور [۱۳۲۰] چنانچه اظهار نظر مثبت می‌شد و همچنین نسبت به ایجاد فرقه [دموکرات] در آذربایجان، چنانچه اظهار نظر موافق می‌شد و نسبت به واقعه بهمن ۲۷، که منظور غیرقانونی شدن حزب توده بود، چنانچه ابراز نفرت می‌شد، نسبت به آذر ۲۵ [سرنگونی فرقه دموکرات] اظهار مخالفت می‌شد، این فرد قابل پذیرفته شدن بود. از نظر سیاست بین‌المللی نسبت به انگلستان و امریکا نظر مخالف و نسبت به شوروی نظر موافق ابراز می‌شد، قابل پذیرفته شدن بودند. چنانچه کسی مخالف سلطنت بود پذیرفته می‌شد و در صورتی که شاه دوست بود پذیرفته نمی‌شد.»^۱

مرحله دوم یا دوره هواداری: پس از تأیید فرد مورد نظر از سوی هیئت اجراییه، آن افسر به تدریج از وجود و ماهیت سازمان آگاه می‌شد. در این دوره ارتباط با وی یک نفره بوده و کار آموزش تئوریک - سیاسی مقدماتی آغاز می‌شد. در این مرحله به جای استفاده از نام و مشخصات وی در مکاتبات درون سازمانی، از شماره‌ای دورقمی استفاده می‌شد. دوره هواداری می‌توانست ماه‌ها طول بکشد؛ اما معمولاً پس از گذشت مدتی کوتاه‌تر از شش ماه آشنایی هوادار با شیوه کار مخفی و هدف‌ها و وظایف سازمان، به یکی از حوزه‌های آزمایشی معرفی و به عضو آزمایشی ارتقا می‌یافت.

۱. سرهنگ محمدعلی مبشری، اوراق بازجویی، ص ۲۹-۳۰، به نقل از کتاب درباره سازمان افسران توده، ص ۱۲۷.

مرحله سوم یا دوره عضویت آزمایشی: وظایف عضو آزمایشی عبارت بود از «شرکت در حوزه، پرداخت حق عضویت، رعایت انضباط سازمان، خودآموزی، اجرای برنامه متناسب با حوزه، دادن گزارش و کسب اطلاع»^۱ پس از طی کردن موفقیت آمیز این مرحله آن شخص به عضویت رسمی ارتقا می یافت. در زمان عضویت در حوزه آزمایشی به جای نام واقعی وی از شماره ای سه رقمی و پس از عضویت رسمی از شماره چهاررقمی استفاده می کرد.

سازمان افسران آزادیخواه ایران براساس مذاکرات و توافقات سال ۱۳۲۷ هیئت اجراییه سازمان افسران و نورالدین کیانوری نماینده رهبری حزب توده، تا سال ۱۳۲۹ یا ۱۳۳۰ با حفظ استقلال خود به عنوان مؤتلف حزب توده فعالیت می کرد. اما رهبری حزب از همان مذاکرات سال ۱۳۲۷ هدفش الحاق و زیر کنترل گرفتن همه جانبه این سازمان بود و با مداخله تدریجی عملاً این سازمان را به خود ملحق نمود. براساس اسناد و مدارک بسیار محدودی که در دست است، این حرکت رهبری حزب توده نخست در هیئت اجراییه سازمان با مخالفت روبه رو شد و خسرو روزبه آن را عملی مغایر با توافق های سال ۱۳۲۷ یافت و به شدت با این امر به مخالفت برخاست؛ وی در این باره می نویسد: «در جلسه کمیته مرکزی سازمان [منظور هیئت اجراییه سازمان است] که من عضو آن بودم و قرار بود انتخابات اعضاء صورت گیرد، احمد قاسمی اظهار داشت که نظر حزب [توده] این است که فلانی [استوان یکم منوچهر مختاری گلپایگانی] به سمت مسئول شعبه تبلیغات انتخاب گردد. البته این اظهار نظر آزادی انتخابات را سلب کرد و خلاف اصول بود ولی معهداً به همان ترتیب عمل شد و من به عنوان اعتراض نسبت به این عمل خلاف اصول از حزب

۱. سرهنگ مبشری، اوراق بازجویی، ص ۵۶، به نقل از کتاب سیاه درباره سازمان افسران توده،

کناره گرفتیم... این کناره‌گیری تا اول تیرماه ۱۳۳۲ ادامه یافت.^۱ از سال ۱۳۳۱، که اعضاء قدیمی سازمان متوجه چنین مداخلاتی شدند، از هیئت اجرائیه سازمان درخواست کردند که روابط سازمان افسران با حزب توده مشخص شود و برای سازمان اساسنامه‌ای تدوین گردد، که با مخالفت رهبری حزب توده روبرو شد ولی هیئت اجرائیه حزب توده زیر فشار سازمان به ناچار به تدوین اساسنامه سازمان افسران گردن نهاد و طرح تهیه شده هیئت اجرائیه سازمان افسران را «پس از بررسی کافی در فروردین ۱۳۳۲ با اصلاحاتی تصویب نمود.»^۲ ماده اول اساسنامه که با عنوان «آئین‌نامه سازمان حزبی فرهنگیان» منتشر شد، این سازمان را به عنوان «یکی از واحدهای سازمان حزب توده ایران» به‌شمار آورد و رسماً الحاق سازمان افسران به حزب توده را متحقق ساخت، گویانکه عملاً از دو، سه سال قبل چنین امری انجام شده بود.

در اساسنامه برای رعایت مخفی‌کاری و تمهیدات لازم برای حفظ امنیت سازمان، از بکارگیری کلماتی که ردی از سازمان افسران به‌دست دهد خودداری شده و به‌جای کلمه ارتش از «فرهنگ»، به‌جای افسران «فرهنگیان»، به‌جای افسران عضو سازمان از «دانشجویان» و... استفاده شده و علاوه بر این، در مکاتبات و گفت‌وگوهای اعضا این قبیل پنهانکاری‌ها رعایت می‌شد و به‌جای «حزب توده از «بنگاه» به‌جای تشکیلات از «شکیل»، به‌جای هیئت اجرائیه از «هیئت»، به‌جای شعبه تعلیمات از «علمی»، به‌جای شعبه اطلاعات از «طلعت» و... استفاده می‌شد.^۳

۱. خسرو روزبه، اوراق بازجویی، ص ۲۶۶، به نقل از کمیژیم در ایران، ص ۵۶۸؛ گویا خسرو روزبه این الحاق را تا آخر عمر هم نپذیرفت، چنان‌که ضمن دفاعیاتش در دادگاه نظامی در سال ۱۳۳۷ از سازمان با عنوان تشکیلات افسران آزادپه‌خواه ایران یاد می‌کند نه افسران حزب توده ایران، ر.ک به آخرین دفاع خسرو روزبه، ص ۵۰.

۲. کتاب سیاه درباره سازمان افسران توده، ص ۷۲.

۳. برای آگاهی از متن اساسنامه ر.ک. ضمائم، سند شماره ۵.

تشکیلات شهرستان‌ها

سازمان افسران، همپای اوج‌گیری و اعتلای نهضت ملی شدن صنعت نفت، روبه توسعه و گسترش نهاد. رشد تشکیلات سازمان به اندازه‌ای سریع بود که از سال ۱۳۲۹ به بعد نه تنها در تهران سازمان افسران توانست در ارتش، نیروی هوایی، ژاندارمری و شهربانی ریشه دواند و شبکه‌های سازمانی کاملی ایجاد کند، که در برخی از شهرستان‌ها نیز شعبه‌هایی فعال تشکیل دهد. پس از تهران مهم‌ترین شعبه سازمان، تشکیلات کرمان بود. پیشینه فعالیت این شعبه به تبعید و زندانی کردن افسران در سال ۱۳۲۴ بازمی‌گشت. از اعضای شعبه کرمان می‌توان به سرهنگ دوم سوار اسدالله کاظمیان، سرگرد توپخانه یدالله شهیدی زندی، سرگرد ارسطو سروشیان، سرگرد هوایی محمد شاهسار، سروان عباس هجری بجزستانی، سروان محمدرضا بهنیا و... اشاره نمود. علاوه بر شعبه کرمان، سازمان افسران در لشکرهاى مختلف کشور شعبه‌هایی پدید آورد و به‌گونه‌ای گسترش یافت که با افزایش حوزه‌ها، شاخه‌های کامل تشکیلاتی شکل گرفت. از اعضای سازمان در لشکر ۳ تبریز می‌توان به سرگرد صدیقی، ستوان یکم‌ها: زندوالی، گلباز، کریمی و...، در لشکر ۴ رضائیه به سرگردها: نوربخش خیابانی، صالح نجات، رنگرز رحیمی و...؛ در لشکر ۶ فارس سرهنگ پیاده فصیحی، سرگردها: محاب، قائمی، احسانی، کاوه، بهمنش و...؛ در لشکر ۸ مشهد سرهنگ ژیانفر، سرگردها: افکار، گرانیامیه و... و در شهربانی مشهد ستوان یکم یوسف باقرلی، ستوان دوم اسدگیلانی و...؛ در لشکر ۱۹ اصفهان سرهنگ‌ها فضل‌اللهی و کشاورز، سرگردها و اتق، مهین تهرانی، فروند و...، ستوان یکم دفتری و...؛ در لشکر ۱۰ خوزستان سرگرد غفاری، عبدل آبادی، ستوان یکم‌ها امینی رانکوهی، یانیه، یمیش‌زاده و...؛ در لشکر ۱۱ کردستان: سرهنگ افشنگ، ستوان یکم‌ها: پیوندی، قائم مقامی و...؛ در لشکر ۱۲ کرمانشاه: سرهنگ

خیامی، سرگرد پور دیهیمی، رستمی گوران، ستوان یکم‌ها: علی محمد افغانی، نیکزاد، رویانی، جودی و...؛ در تیپ رشت: سرگرد نبهی، ستوان یکم‌ها: مهرانی، رسولی پور و...؛ در تیپ گرگان، ستوان یکم‌ها: دیلمی، عابد و...^۱ اشاره کرد.

از سال ۱۳۲۹ به بعد مسئولیت تشکیلات شهرستان‌های سازمان برعهده ستوان یکم هوایی منوچهر مختاری گلپایگانی قرار داشت. و پس از الحاق تشکیلاتی به حزب توده، علاوه بر ارتباط مستقیم هر شعبه با مسئول تشکیلات شهرستان‌های سازمان، نوعی رابطه جنبی بین کمیته حزبی آن شهرستان و مسئول شعبه سازمان افسران برقرار شد؛ ولی مسئولان حزبی اجازه مداخله در امور سازمان افسران را نداشتند.^۲ در مورد تشکیلات سازمان افسران در شهرستان‌ها، اطلاعات موجود بسیار محدود و ناچیز است و به این دلیل مشخص نیست که در شهرستان‌ها اعضاء سازمان براساس اشتغال‌شان در رسته‌ها و صنوف ارتشی سازماندهی می‌شدند یا آنکه به علت محدود بودن اعضا، همگی آنان در یک یا چند حوزه (بدون توجه به محل خدمت سازمانی‌شان) قرار داشته‌اند. حتی اسامی مسئولان شهرستان‌ها نیز در دست نیست؛ و به‌رغم تمام تلاش و کوششی که به‌عمل آمد، تنها این اشخاص شناخته شدند: سرگرد ارسطو سروشیان، مسئول تشکیلات کزمان؛ سروان قره‌گوزلو، مسئول تشکیلات خوزستان؛ سروان غلامحسین بقیعی، مسئول تشکیلات مشهد؛ سروان حسینقلی حشمتی، مسئول تشکیلات گرگان؛ سروان عبدالله پروین، مسئول تشکیلات خرم‌آباد؛ ستوان کریم زندوانی، مسئول تشکیلات تبریز.

۱. روزنامه کیهان شماره‌های ۳۰ شهریورماه تا ۱۰ مهرماه ۱۳۳۳.

۲. عمویی، دُرْد زمانه، ص ۴۶.

شعبه تعلیمات

از جمله وظایف حوزه‌های سازمان افسران و اعضاء، آموزش و مطالعه جمعی و فردی مباحث تئوریک - سیاسی بود. به منظور هماهنگ ساختن و هدایت امر آموزش، هیئت اجرائیه شعبه‌ای با عنوان «شعبه تعلیمات» به مسئولیت سرگرد جعفر وکیلی ایجاد کرد. ولی علیرغم تأکید بر امر آموزش «اصولاً سطح مطالعه آثار کلاسیک و دانش تئوریک در میان کادرهای حزبی به نحو محسوسی بالاتر از اعضای سازمان افسران بود، به استثنای چند نفر انگشت‌شمار، از آن جمله [سرگرد جعفر] وکیلی، دانش سیاسی و تئوریک در سازمان در سطوح پائین و متوسط بود. اعضای سازمان فرصت کافی برای مطالعه نداشتند و برنامه شغلی ارتش که حتی ساعات فراغشان را جبراً با مسائل شغلی عجین می‌کرد مانع از مطالعه و آموزش کافی می‌شد.»^۱

هیئت اجرائیه سازمان برای پیشبرد برنامه‌های مطالعاتی و آموزشی به تمهیدات گوناگونی دست می‌زد و حتی از اعضاء امتحان کتبی نیز می‌گرفت! غلامحسین بقیعی می‌نویسد: «در اواخر سال [۱۳۳۰] سازمان خبر داد که برای همه اعضاء از مرکز، سؤالاتی رسیده و باید کتباً پاسخ دهیم و نمره بگیریم. سؤال من چگونه استنمار در یکی از مشاغل موجود بود.»^۲

همچنین هیئت اجرائیه سازمان افسران برای جلوگیری از مراجعه مستقیم اعضاء برای خرید کتاب‌ها و نشریات حزب توده و احتمالاً شناسایی‌های بعدی، کتابخانه درونی ایجاد کرد که مسئولیت آن برعهده ستوان یکم منوچهر مختاری گلپایگانی قرار داشت و کتاب‌ها و نشریات را از طریق شبکه تشکیلاتی در اختیار اعضاء می‌گذاشت.^۳

۱. عمومی، درد زمانه، ص ۵۰.

۲. غلامحسین بقیعی، انگیزه، ص ۲۵۶.

۳. کتاب سیاه درباره سازمان افسران توده، ص ۱۶۶ و ۱۶۹.

شعبه تبلیغات

سازمان افسران با هدف افشای رژیم شاه و عوامل آن در نیروهای نظامی و انتظامی و جلب نیروهای جدید، در مناسبت‌های معینی مانند ۱۰ مهر (سالروز تشکیل حزب توده^۱)، ۲۱ آذر (روز ورود ارتش ایران به تبریز)، ۱۵ بهمن (روز ترور محمدرضا پهلوی در دانشگاه تهران و غیرقانونی شدن حزب توده)، محوطه دانشکده افسری، پادگان‌ها، دفاتر فرماندهان، راهروها و حتی دستشویی‌ها را از اعلامیه و تراکت می‌پوشاندند. خطوط کلی برنامه تبلیغاتی سازمان افسران که بر بنیان خط و مشی حزب توده قرار داشت عبارت بود از:

۱. «... ۱. دریدن نقاب شاه و شناساندن ماهیت واقعی سلطنت در دوران ما... ۲. شناساندن ماهیت سران ارتش، شهربانی، ژاندارمری، و اثبات اینکه اکثریت قریب به اتفاق آنان مزدور استعمارند و عملاً ارتش را به یک ارتش مستعمراتی تبدیل کرده‌اند... ۳. شناساندن ماهیت واقعی مستشاران امریکائی و توضیح مقاصدی که آنها دنبال می‌کنند؛ ۴. نشان دادن وابستگی منافع مردم و نظامیان شرافتمند و اثبات اینکه آنها نباید از مردم جدا باشند و نباید علیه مردم زحمتکش وارد عمل شوند و آلت دست دشمنان ملت گردند؛ ۵. تشویق افسران شرافتمند به بالا بردن شخصیت مرئوسین خود و مراعات حقوق آنها، تشویق آنها به اتحاد با درجه‌داران و سربازان و تشکیل صف واحدی در مقابل سران ارتش، ژاندارمری و شهربانی ...؛ ۶. ... اثبات اینکه یگانه راه پیروزی، اتحاد، تشکل، مقاومت و مبارزه در مقابل خائنین است...؛ ۷. جلب اعتماد افراد به حزب توده...؛ ۸. نشان دادن قدرت جبهه صلح و دموکراسی

۱. گرچه حزب توده در هفتم مهرماه ۱۳۲۰ تشکیل شد، ولی بعداً رهبری این حزب روز ۱۰ مهرماه، روز جشن مهرگان را به عنوان سالروز تشکیل این حزب اعلام نمود.

به خصوص از نظر نظامی و همچنین نشان دادن ضعف کشورهای سرمایه‌داری و تکیه بر امریکا...»^۱

اعضاء نیز برای تحقق بخشیدن به برنامه تبلیغاتی سازمان، موظف به استفاده از این شیوه‌ها بودند:

۱. نگارش یا چاپ چند جمله با خط درشت روی کاغذهایی به قطع کوچک؛ ۲. تهیه کاریکاتور و اشکال رنگین همراه با چند سطر توضیح؛ ۳. تهیه تراکت؛ ۴. دامن زدن به بحث و هدایت آن پس از پخش تراکت توسط رفقا در محلهای خدمتی؛ ۵. نوشتن شعار به در و دیوار محلهای خدمتی؛ ۶. تهیه بولتن ماهیانه؛ ۷. تهیه نوول؛ ۸. اجرای تبلیغات توسط رفقای بنگاهی [حزبی] در میان خویشان و آشنایان نظامی خود؛ ۹. اجرای تبلیغات شفاهی توسط سربازان و افسران احتیاط بنگاهی [حزبی]؛ ۱۰. درج اخبار جالب مربوط به محرومیتهای سربازان در روزنامه‌های جوانان و دهقانان.^۲

این قبیل اقدامات باعث آن شد که میزان نفوذ و توانایی سازمان افسران را به مراتب، بیش از آنچه بود به نظر برسد. و رکن ۲ ستاد ارتش را بیش از پیش نسبت به حضور گسترده حزب توده در ارتش مظنون می‌کرد.

شعبه اطلاعات

شعبه اطلاعات سازمان افسران با دو هدف کلی تشکیل شده بود:

۱. مقابله با نیروهای اطلاعاتی و امنیتی رژیم در شناسایی سازمان افسران و اعضاء آن و جلوگیری از نفوذ آنها به سازمان. شعبه اطلاعات سازمان در این مورد می‌نویسد: «... با تشکیل داور دسته‌های مخالف نهضت توده‌ای ایران در فرهنگ [ارتش] امروز، نفوذ عناصری از آنها در

۱. برنامه فعالیت تبلیغاتی در ارتش، شهربانی و ژاندارمری، مصوبه ک.م [کمیته مرکزی

حزب توده]، به نقل از کتاب سیاه، صص ۱۵۳-۱۵۲

۲. همان، ص ۱۴۴.

سازمان ما نسبت به سابق بیشتر است. و باید در آینده توجه کافی در این مورد داشت تا این قبیل عناصر شناخته شوند و مانع ورود آنها به سازمان شد^۱ و علاوه بر این، شعبه اطلاعات موظف بود که اعضاء سازمان افسران و حزب توده را از فعالیت‌ها، نقشه‌ها و دام‌هایی که مأموران رکن ۲ ستاد ارتش پدید می‌آورند مطلع نماید و مأموران امنیتی را به اعضاء سازمان معرفی نماید.

۲. هدف دیگر شعبه اطلاعات سازمان، نفوذ در بخش‌های اطلاعاتی و امنیتی ارتش برای به دست آوردن اطلاعات و اخبار از جمله نسبت به عملیات و تحرکات آنان بر ضد حزب توده در ارتش بود. و در این راه با گماردن بعضی از اعضاء در مشاغل اطلاعاتی ارتش و جذب بعضی از افسران آن و همچنین نفوذ در گروه‌بندی‌هایی که در ارتش شکل گرفته بود، موفقیت‌هایی مانند خنثی کردن کودتای ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ به دست آوردند. اطلاعاتی که از سوی اعضاء سازمان افسران به دست می‌آمد و در شعبه اطلاعات متمرکز می‌شد به دو دسته کلی تقسیم می‌شد:

۱. اطلاعات جاری: از این نوع اطلاعات به صورت روزانه (چه در مطبوعات حزبی و چه در خدمت اقدامات احتیاطی) استفاده می‌شد و شامل اخباری دربارهٔ سیاست روز کشور، اقدامات دستگاه‌های انتظامی و دوائر ارتشی، رفت و آمد بیگانگان، بخشنامه‌ها، دردی‌ها و اختلاس‌ها، سخنرانی‌های فرماندهان و... بود.

۲. اطلاعات ثابت: این قبیل اطلاعات برحسب نیاز حزب توده و سازمان افسران تهیه می‌شد و شامل اطلاعاتی در مورد وضع و سازمان ارتش، آمار واحدها، تسلیحات و مهمات و مانند اینها بود.^۲

۱. گزارش شعبهٔ اطلاعات به تشکیلات سازمان افسران حزب توده، به نقل از کتاب سیاه، ص ۱۸۳.

۲. ستوان یکم منوچهر مختاری گلپایگانی، اوراق بازجویی، ص ۱۰؛ سرهنگ محمد جلالی،

اخبار و اطلاعاتی که اعضای سازمان گردآوری و تهیه می‌کردند، در شعبه اطلاعات سازمان افسران به مسئولیت خسرو روزبه مورد بررسی قرار می‌گرفت و پس از اثبات درست‌ی آن، در اختیار رهبری حزب توده و سازمان افسران قرار می‌گرفت. رهبری حزب با انتشار «اطلاعات جاری» به افشا و علنی ساختن روندها و وقایع درون ارتش می‌پرداخت و همچنین در تحلیل‌ها و ترسیم و تدوین سیاست حزب توده از آنها بهره می‌جست. یکی از عوامل مؤثر در شناسایی فعالیت حزب توده در ارتش، همین افشاگری‌های بی‌حساب و کتاب و گسترده‌ای بود که در نشریات توده‌ای به چاپ می‌رسید. مثلاً در شماره ۲۲ تیرماه ۱۳۳۱ روزنامه نوید آینده این اخبار درج شده است: «جاسوسان مستشار نمای امریکایی به تبلیغات جنگی در محیط ارتش پرداخته‌اند.» (ص ۱ و ۲)، «محاكمه سروان ملکی، افسر درستکار ژاندارمری در حصار سرنیزه و جاسوسان رکن دو» (ص ۱ و ۴)، «ستاد لشکر کرمان برای اخراج درجه‌داران درستکار بخشنامه صادر کرد.» (ص ۱ و ۲).

در پی اعتلای نهضت ملی شدن صنعت نفت و لزوم تسریع در تبادل اطلاعات میان حزب توده و سازمان افسران، شعبه اطلاعات سازمان، در تماس مستقیم با شعبه اطلاعات حزب قرار گرفت و پس از کودتای ۲۸ مرداد، این دو شعبه در یکدیگر ادغام شدند و ساختار واحدی پدید آوردند. نماینده هیئت اجرائیه و رئیس شعبه اطلاعات واحد اسماً دکتر مرتضی یزدی بود ولی عملاً از سوی خسرو روزبه معاون شعبه اداره می‌شد. در شعبه اطلاعات واحد، مسئول کسب خبر از ارتش، اکبر انصاری بود و به دست آوردن خبر از شهربانی و ژاندارمری برعهده

→

اوراق بازجوئی، ص ۱۰؛ سرهنگ امیرافشار بکشلو، اوراق بازجوئی، ص ۶، به نقل از: فرمانداری نظامی تهران، سیر کمونیم در ایران، تهران، چاپخانه کیهان، ۱۳۳۶، صص ۳۵۱-۳۵۰.

اسحق محبوبی بود. آنان اطلاعات را به معاون اول شعبه (آشوت شهبازیان) می‌دادند، و شهبازیان از طریق فاطمه جنیدی در اختیار روزبه می‌نهاد.^۱

شعبه مالی

یکی دیگر از شعبه‌های هیئت اجرائیه سازمان افسران، شعبه مالی بود که از دیرباز مسئولیت آن بر عهده سرهنگ عزت‌الله سیامک قرار داشت. این شعبه وظیفه داشت که درآمدهای سازمان را گردآوری نماید، مخارج و هزینه‌ها را برآورد نموده و بر مصرف آن نظارت و کنترل داشته باشد. درآمد سازمان افسران براساس حق عضویت و کمک مالی اعضاء سازمان قرار داشت که اعضاء ماهیانه پرداخت می‌نمودند و تا آنجا که می‌دانیم از سوی رهبری حزب توده کمک مالی به این سازمان نمی‌شده است. به نوشته سرهنگ مبشری درآمد ماهیانه سازمان پیش از کشف و تلاشی آن در حدود شش الی هفت هزار تومان بوده که در آن زمان مبلغ نسبتاً قابل توجهی بود.^۲ هزینه‌ها و مخارج سازمان افسران عمدتاً شامل تأمین و پرداخت کرایه منازل و مخارج اعضاء متواری و مخفی، دبیرخانه سازمان، کمک مالی به افسران بازداشت شده و خانواده‌های آنان بود. در ضمن هرگاه یکی از اعضاء با مشکل مالی روبه‌ور می‌شد، شعبه مالی با تصویب هیئت دبیران (و احتمالاً پیش از کودتا با تصویب هیئت اجرائیه سازمان) مبلغی متناسب با امکانات مالی سازمان به وی کمک می‌نمود.^۳ (همان، صص ۳۹-۴۰) در ضمن لازم به ذکر است که هزینه خرید کاغذ و چاپ

۱. کتاب سیاه درباره سازمان افسران توده، ص ۱۸۴ و ۱۸۷؛ برای اطلاع بیشتر رک به: سیر کمونیم در ایران، ص ۲۷۰-۳۹۳.

۲. سرهنگ مبشری، اوراق بازجویی، جلسه ۳۰ شهریور ماه ۱۳۳۳، به نقل از «پرونده سرهنگ مبشری»، خواندنیها، سال ۱۵، شماره ۱۸، سه‌شنبه ۲ آذرماه ۱۳۳۳ ص ۳۹.

۳. همان، صص ۴۰-۳۹.

اوراق و نشریات موردنیاز سازمان افسران از سوی حزب توده پرداخت می‌شده است.^۱

تشکیلات زنان سازمان افسران حزب توده

پس از کودتای ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲، هیئت دبیران سازمان افسران، تشکیلات زنان را سازمان داد و به اعضاء «دستور داده شد که در روشن کردن خانم‌های خود بکوشند و صورت [اسامی] خانم‌هایی را که مناسب برای عضویت باشند...»^۲ ارائه دهند. مریم فیروز درباره علت ایجاد تشکیلات زنان می‌نویسد: «روزی خسرو روزبه و محقق‌زاده مرا خواستند و گفتند باید برای عده‌ای از زنان افسران جلساتی ترتیب داد. آنها می‌گفتند در این دوران نقش افسران روزبه‌روز مهم‌تر و دشوارتر می‌شود و خیلی از زنها که جوان هستند و هم زندگی آشنایان خود را می‌بینند، نمی‌توانند درک کنند که شوهرانشان به کاری بزرگ پرداخته‌اند و گاه شبها دیر به خانه می‌آیند، پس باید آنها را تا آنجایی که می‌شود آماده کرد که دستکم با شوهرانشان سردیر آمدن و زود رفتن نستیزند و تا آنجایی که می‌توانند با آنها همکاری نمایند و، بالاتر از همه چیز، رازدار آنها باشند.»^۳

نحوه عضویت زنان افسران تابع همان شرایط و تشریفات عضویت در سازمان افسری بود، با این تفاوت که هر افسری موظف بود، پس از آماده ساختن همسرش، کاراکتریستیک او را تنظیم کند و به هیئت اجراییه بدهد. آن عده از زنان افسران که در تشکیلات زنان حزب توده عضو بودند، نیازی به این تشریفات نداشتند و مستقیماً به حوزه زنان سازمان معرفی می‌شدند. مخفی‌کاری در تشکیلات زنان سازمان شاید بیش از تشکیلات

۱. همان، ص ۳۹.

۲. سروان شهربانی نظام‌الدین مدنی، اوراق بازجویی، ص ۷، به نقل از کتاب سیاه، ص ۱۳۹.

۳. مریم فیروز، چهره‌های درخشان، تهران، حزب توده، ۱۳۵۸، ص ۱۲۲.

سازمان مورد تأکید قرار می‌گرفته است. نامه سروان محقق‌زاده به سرهنگ مبشری نشانه‌ای از این امر است:

«ر.محسنی [رفیق، مبشری] عزیز

خانم ۵۶۵ [افسر شهربانی منصور] عضو رسمی حزب است و باید در یکی از حوزه‌ها شرکت کند. لطفاً ترتیب شرکت او را در یکی از دو حوزه خانمهای شاخه ۳۳ [شهربانی] بدهید. بدین معنی که بفرمایید او را به یکی از خانمهای عضو معرفی نماید و به او بگویید او را به همراه خود به حوزه ببرد. ضمناً بفرمایید وقتی در حوزه رفت فقط اسم کوچک خود را به خانمها و مسئولش بگوید و از دادن هرگونه اطلاعی که موجب شناخته شدن بیشتر خودش یا معرفی شوهرش می‌گردد، خودداری نماید. نتیجه را به من هم اطلاع فرمائید تا به مسئول مربوطه ایشان بنویسم که فردی به اعضاء حوزه‌ها اضافه شده است با سلام پیمان [محقق‌زاده دوانی]»^۱

از نظر سازماندهی تشکیلاتی، حوزه‌های زنان تابع و جزو همان شاخه‌ای بود که همسران آنها در آن فعالیت می‌کردند. معمولاً مسئولیت حوزه‌های زنان برعهده همسر یکی از آنان قرار داشت.

چنانکه از اسناد و مدارک موجود برمی‌آید، تشکیلات زنان یک بار در سال ۱۳۳۲ ایجاد شده که پس از مدتی از سوی هیئت اجرائیه یا دبیران سازمان فعالیتش متوقف و از اوایل تابستان ۱۳۳۳ بار دیگر آغاز به کار می‌کند، که با کشف سازمان افسران فعالیت آن نیز متوقف می‌شود.^۲

در جریان کشف دبیرخانه سازمان در خیابان ۲۱ آذر در شهریورماه ۱۳۳۳، دفترچه اسامی تشکیلات زنان نیز به دست مأموران فرمانداری نظامی افتاد، ولی سروان پولاد دژ آن دفترچه را، به همراه مقداری اسناد و

۱. «یک مدرک دیگر»، کیهان، سال سیزدهم، شماره ۳۳۸۶، چهارشنبه ۳۱ شهریورماه ۱۳۳۳، ص ۸.

۲. سروان شهربانی نظام‌الدین مدنی، اوراق بازجوئی، ص ۷، به نقل از کتاب سیاه درباره سازمان افسران توده، ص ۱۳۹.

مدارک دیگر، برداشت و گریخت. بدین ترتیب تشکیلات زنان سازمان افسران به صورت کامل لو نرفت و مدارک محرز و قابل استنادی در اختیار بازجویان فرمانداری نظامی قرار نگرفت.^۱

بحران ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و فرار رهبری حزب از زندان قصر

در پی ترور محمدرضا شاه (۱۵ بهمن ۱۳۲۷) در دانشگاه تهران، بلافاصله از سوی هیئت دولت در تهران و حومه آن حکومت نظامی برقرار و حزب توده متهم به سازماندهی و اجرای ترور شد. سرلشکر خسروانی فرماندار نظامی تهران و حومه طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «در اجرای اعلامیه دولت کلیه مراکز حزب توده در تهران در ساعت ۱۲ شب ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ شمس‌ی توسط مأمورین حکومت نظامی اشغال گردید و در شهرستانها نیز دستور داده شد کلیه مراکز مزبور و سازمانهای این حزب توسط شهربانی و مأمورین انتظامی توقیف و منحل گردد.»^۲

با اعلام انحلال و غیرقانونی شدن حزب توده، فعالیت این حزب کاملاً مختل شد، رهبران و کادرهای آن تحت پیگرد قرار گرفته، تنی چند به خارج از کشور گریختند، عده‌ای مخفی و عده‌ای نیز دستگیر شدند. سازمان افسران نیز در امان نماند و عده‌ای از اعضای آن که مورد سوءظن رکن ۲ ستاد ارتش بودند به مناطق جنوبی کشور تبعید شدند. این امر در نهایت به نفع سازمان افسران بود، زیرا برخلاف شهریور ۱۳۲۴، این بار افسران تبعیدی زندانی نشدند، بلکه فقط محل خدمت آنان تغییر یافته بود. و افسران توده‌ای با تبلیغ مواضع حزب توده در محل‌های کار خویش موفق به جذب عده‌ای از پرسنل نظامی و انتظامی آن مناطق و همچنین

۱. برای اطلاع بیشتر: رک به: کتاب سیاه درباره سازمان افسران توده، صص ۲۹۸-۳۰۱.

۲. روزنامه اطلاعات، سال بیست و سوم، شماره ۶۸۵۴، یکشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۲۷، ص ۱.

تبعیدیان غیر توده‌ای، به سازمان افسران شدند و شعبه‌هایی از سازمان را در شهرستانها پدید آوردند.^۱

در واکنش به شرایط پدید آمده پس از ترور شاه، رهبران و کادرهای دستگیر نشده حزبی، با تلاش و کوشش بسیار موفق شدند حزب را از متلاشی شدن نجات دهند و پس از سازماندهی مجدد حزب توده، کوشیدند رهبران حزب را که به زندان‌های یزد، بندرعباس و کاشان تبعید شده بودند به تهران بازگردانند و با لغو حکم دادگاه‌های نظامی و تجدید دادرسی در دادگاه‌های عادی، آنان را از زندان آزاد نمایند و در صورت امکان فعالیت قانونی حزب توده را میسر سازند.

در این زمینه نمایندگان جبهه ملی در مجلس شورای ملی و حسن ارسنجانی مدیر روزنامه داریا، بیش از دیگران از زندانیان توده‌ای حمایت کرده و حتی ارسنجانی، صفحاتی از روزنامه خویش را در اختیار زندانیان قرار داده و نامه‌های آنان و خانواده‌های‌شان و برخی مقالات را به چاپ می‌رساند. در پی این قبیل اقدامات، رهبران توده‌ای (دکتر یزدی، کیانوری، قاسمی، نوشین، علوی، شاندرمنی، بقراطی، حکمی، جودت) و خسرو روزبه از زندان‌های جنوب به تهران منتقل شدند و در ۱۲ آبان ماه ۱۳۲۹ پرونده آنان به شعبه یک دادگاه جنائی دادگستری احاله و دادگاه نیز قرار، عدم صلاحیت رسیدگی را صادر کرد و در ۶ آذر ماه ۱۳۲۹ نیز اعلام نمود «به موجب این قرار، دادگاه نظامی و دادستان ارتش حق رسیدگی و صدور کیفر خواست نداشته‌اند و کلیه تصمیمات آنان ملغی الاثر می‌باشد و مرجع صالح برای رسیدگی به این پرونده دادسرای استان تهران می‌باشد».^۲ و رهبران زندانی حزب توده با استناد به این رای، طی نامه‌ای به دادستان کل کشور ضمن اعتراض به ادامه توقیف خویش، خواستار

۱. رک به غلامحسین بقیعی، انگیزه.

۲. کیهان، سال نهم، شماره ۲۲۸۳، دوشنبه ۶ آذرماه ۱۳۲۹، ص ۱.